مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

مدیریت آموزشی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای: بازخوانی رویکردها، چالش‌ها و الزامات برنامه‌ریزی درسی

یحیی علیرضا پور

کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

MDOI-02-2026.0505
MNR-526-2-FC08FA

چکیده

آموزش فنی و حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام آموزشی در توسعه سرمایه انسانی، تربیت نیروی ماهر و پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر بازار کار به شمار می‌رود. تحقق اهداف این بخش، بدون بهره‌گیری از مدیریت آموزشی کارآمد، برنامه‌ریزی درسی منعطف، ارتباط مؤثر با محیط کار و نظام ارزیابی اثربخش امکان‌پذیر نیست. هدف پژوهش حاضر، بررسی مروری ادبیات فارسی مرتبط با مدیریت آموزشی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای با تأکید بر ابعاد برنامه‌ریزی درسی، ارتباط با بازار کار، مدیریت استراتژیک، مدیریت کیفیت، مدیریت دانش و کارآفرینی است. این پژوهش با روش مروری و رویکرد توصیفی ـ تحلیلی انجام شده و داده‌های آن از میان منابع علمی معتبر فارسی شامل مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های SID، Magiran، Ensani، Noormags و برخی مجلات دانشگاهی گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران با چالش‌هایی چون ضعف در آینده‌نگری، عدم پیوند نظام‌مند با بازار کار، نارسایی در ارزشیابی عملکرد، کمبود انعطاف برنامه‌های درسی، ضعف در مدیریت دانش و فاصله با رویکردهای کیفیت‌محور مواجه است. همچنین مرور مطالعات نشان داد که الگوهای نوین مدیریت آموزشی، از جمله مدیریت استراتژیک، مدیریت کیفیت، مدیریت مبتنی بر شایستگی و برنامه‌ریزی درسی کارآفرینانه، ظرفیت بالایی برای ارتقای اثربخشی آموزش فنی و حرفه‌ای دارند. در نهایت، بر اساس یافته‌ها، پیشنهادهایی برای بازطراحی مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی درسی در این حوزه ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، آموزش فنی و حرفه‌ای، برنامه‌ریزی درسی، بازار کار، مدیریت استراتژیک، کارآفرینی، آموزش مهارتی.

مقدمه

در جهان معاصر، آموزش فنی و حرفه‌ای از جایگاهی فراتر از یک شاخه آموزشی برخوردار شده و به یکی از پایه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناورانه کشورها تبدیل شده است. کشورهایی که توانسته‌اند میان نظام آموزشی و نیازهای واقعی اشتغال پیوند برقرار کنند، عموماً از نظام آموزش مهارتی قوی‌تر، منعطف‌تر و کارآمدتر برخوردار بوده‌اند. در این میان، نقش مدیریت آموزشی به‌عنوان عنصر راهبر، هماهنگ‌کننده و تصمیم‌ساز در تحقق اهداف آموزش فنی و حرفه‌ای بسیار اساسی است.

مدیریت آموزشی در آموزش فنی و حرفه‌ای صرفاً به اداره مراکز آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هدایت برنامه‌ریزی درسی، نیازسنجی آموزشی، برقراری تعامل با صنعت، مدیریت منابع انسانی، ارزیابی عملکرد، تضمین کیفیت و سیاست‌گذاری راهبردی است. اگر این نظام مدیریتی از منطق علمی و آینده‌نگرانه برخوردار نباشد، حتی بهترین امکانات و تجهیزات نیز نمی‌توانند به تربیت نیروی انسانی توانمند منجر شوند.

در سال‌های اخیر، آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران با تحولات متعددی روبه‌رو بوده است؛ از یک‌سو شتاب تغییرات فناوری و تحولات بازار کار، ضرورت بازنگری در اهداف و محتوای برنامه‌های درسی را افزایش داده و از سوی دیگر، ضعف هماهنگی میان بخش‌های مختلف مدیریتی، مانع تحقق کامل رسالت این حوزه شده است. صدری (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید بر اساس نیازسنجی، تحولات فناوری، اقتضائات اشتغال و ویژگی‌های آینده بازار کار طراحی شود. همچنین عبداللهی (۱۳۹۵) تأکید می‌کند که یکی از مسائل بنیادین در آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی ایران، ضعف در سازوکارهای ارتباط با بازار کار است؛ مسئله‌ای که مستقیماً به کیفیت مدیریت آموزشی بازمی‌گردد.

از سوی دیگر، رویکردهای نوین مدیریت مانند مدیریت استراتژیک، مدیریت کیفیت و مدیریت دانش، ظرفیت‌های تازه‌ای برای بهبود عملکرد سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای ایجاد کرده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که استقرار مدیریت استراتژیک در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند در ارتقای

اثربخشی، هماهنگی ساختاری و تصمیم‌گیری آینده‌محور مؤثر باشد (ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بی‌تا). همچنین مدیریت دانش، به‌ویژه در سازمان‌های مبتنی بر یادگیری و مهارت، به‌عنوان یکی از ابزارهای تقویت خلاقیت، یادگیری سازمانی و انتقال تجربه مورد توجه قرار گرفته است (رابطه بین مدیریت دانش با خلاقیت در میان کارکنان رسمی و پیمانی ستادی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۳).

نکته مهم آن است که آموزش فنی و حرفه‌ای بدون برنامه‌ریزی درسی پویا و مدیریت حرفه‌ای، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای اشتغال، تولید و نوآوری باشد. بر این اساس، بررسی مروری پژوهش‌های فارسی در زمینه مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی درسی در آموزش فنی و حرفه‌ای، می‌تواند به شناسایی روندها، چالش‌ها و ظرفیت‌های اصلاحی این حوزه کمک کند.

یکی از چالش‌های اساسی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران، فقدان انسجام مدیریتی میان نیازهای واقعی بازار کار، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و برنامه‌ریزی درسی است. این مسئله سبب شده است که در بسیاری از موارد، خروجی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای نتوانند انتظارات بخش اشتغال، صنعت و خدمات را برآورده سازند.

در شرایطی که اقتصاد دانش‌بنیان، مهارت‌محوری، کارآفرینی و فناوری‌های نوین، ساختار مشاغل را دگرگون کرده‌اند، مدیریت آموزشی در نظام فنی و حرفه‌ای باید از حالت سنتی، اداری و ایستا خارج شود و به سمت مدیریت استراتژیک، کیفیت‌محور و انعطاف‌پذیر حرکت کند. با این حال، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که هنوز فاصله قابل توجهی میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب در این حوزه وجود دارد. برای مثال، عزیزی، شیربگی و کریمی (۱۳۹۷) نشان دادند که در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، میان وضع موجود و مطلوب آموزش مهارت‌های اساسی شکاف معناداری وجود دارد.

همچنین، یکی از نمودهای مهم ضعف مدیریت آموزشی، نارسایی در پیوند نظام‌مند میان آموزش و اشتغال است. عبداللهی (۱۳۹۵) تأکید می‌کند که سازوکارهای تجربه‌شده برای ارتباط میان آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و

بازار کار در ایران از اثربخشی لازم برخوردار نیستند. از منظر برنامه‌ریزی درسی نیز، محدودیت در انعطاف، کمبود توجه به آموزش‌های مبتنی بر صنعت و ضعف در طراحی برنامه‌های کارآفرینانه از مسائل مهم این حوزه است (صدری، ۱۳۸۸؛ فروغی ابری و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که ادبیات علمی فارسی، مدیریت آموزشی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای را با چه رویکردها، چالش‌ها و راهکارهایی توصیف کرده است و چه دلالت‌هایی برای برنامه‌ریزی درسی و بهبود عملکرد این نظام می‌توان از آن استخراج کرد.

ضرورت این پژوهش از چند جهت قابل تبیین است. نخست آنکه آموزش فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تربیت نیروی انسانی ماهر، کاهش بیکاری، ارتقای بهره‌وری و توسعه اقتصادی دارد. هرگونه ضعف در مدیریت این بخش، به هدررفت منابع آموزشی و کاهش کارآمدی نظام آموزشی منجر می‌شود.

دوم آنکه تحولات گسترده فناوری، تغییر سریع مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و ظهور مشاغل نو، بازنگری در رویکردهای مدیریتی آموزش فنی و حرفه‌ای را ضروری کرده است. برنامه‌های درسی ایستا و مدیریت غیرمنعطف نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای متحول جامعه و اقتصاد باشند.

سوم آنکه پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر، هر یک بخشی از ابعاد مدیریت آموزش فنی و حرفه‌ای را بررسی کرده‌اند، اما تلفیق و تحلیل مروری این یافته‌ها می‌تواند تصویر منسجم‌تری از وضعیت موجود و مسیرهای اصلاحی ارائه کند. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با گردآوری و تحلیل منابع فارسی معتبر، زمینه‌ای برای فهم جامع‌تر از مدیریت آموزشی در این حوزه فراهم آورد.

چهارم آنکه برای دانشجویان و پژوهشگران رشته برنامه‌ریزی درسی، شناخت دلالت‌های مدیریتی آموزش فنی و حرفه‌ای اهمیت ویژه دارد؛ زیرا طراحی و اجرای برنامه درسی در این حوزه، به‌شدت متأثر از سیاست‌ها، ساختارها و سبک‌های مدیریتی است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع **مروری** و با رویکرد **توصیفی ـ تحلیلی** است. در این روش، منابع فارسی مرتبط با موضوع مدیریت آموزشی در آموزش فنی و حرفه‌ای و نیز مطالعات وابسته به برنامه‌ریزی درسی، بازار کار، کیفیت آموزشی، مدیریت دانش، کارآفرینی و ارزیابی عملکرد گردآوری و تحلیل شدند.

جامعه منابع شامل مقاله‌های فارسی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر علمی مانند **SID**، **Magiran**، **Ensani**، **Noormags** و برخی مجلات دانشگاهی بود. ملاک‌های انتخاب منابع عبارت بودند از:

۱. فارسی بودن منبع؛

۲. ارتباط مستقیم با مدیریت یا برنامه‌ریزی درسی در آموزش فنی و حرفه‌ای؛

۳. انتشار در مجلات علمی یا پایگاه‌های معتبر؛

۴. قابلیت استناد علمی.

پس از جست‌وجو و غربال‌گری، ۲۰ منبع معتبر برای تحلیل نهایی انتخاب شد. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی سازمان‌دهی شدند و مضامین اصلی شامل مدیریت استراتژیک، پیوند با بازار کار، برنامه‌ریزی درسی، مدیریت کیفیت، مدیریت دانش، کارآفرینی، ارزشیابی عملکرد و مهارت‌های اساسی استخراج شد.

پیشینه پژوهشی

مرور پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های فارسی در این حوزه را می‌توان در چند دسته قرار داد.

دسته نخست، پژوهش‌هایی هستند که بر **برنامه‌ریزی درسی آموزش فنی و حرفه‌ای** تمرکز دارند. صدری (۱۳۸۸) با طراحی الگوی برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عام برای دوره متوسطه، نشان داد که نیازسنجی، آینده‌نگری، تحولات فناوری و ساختار ترکیبی مدرسه ـ صنعت از عناصر کلیدی در این حوزه

هستند. همچنین بنی‌عامریان و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه تطبیقی خود، با تأکید بر قصد کارآفرینانه، بر لزوم بهره‌گیری از تجارب کشورهای دیگر در طراحی برنامه درسی فنی و حرفه‌ای تأکید کردند.

دسته دوم، به **ارتباط آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار** می‌پردازند. عبداللهی (۱۳۹۵) نشان داد که سازوکارهای پیوند میان آموزش رسمی فنی و حرفه‌ای و بازار کار در ایران نیازمند بازطراحی و تقویت مدیریتی است. این یافته‌ها بیانگر آن است که بدون نظام مدیریتی مبتنی بر نیازهای اشتغال، آموزش‌های مهارتی از اثربخشی کافی برخوردار نخواهند بود.

دسته سوم، پژوهش‌هایی هستند که **مدیریت استراتژیک، کیفیت و ارزیابی عملکرد** را بررسی کرده‌اند. پژوهش مربوط به ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نشان داد که این رویکرد می‌تواند در بهبود کارآمدی سازمان نقش ایفا کند. همچنین پژوهش‌هایی درباره تأثیر استقرار ایزو ۹۰۰۱ بر اعتبارسنجی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، طراحی مدل ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و شناسایی شاخص‌های ارزیابی عملکرد نیز این اهمیت را تأیید کرده‌اند.

دسته چهارم، به **مدیریت دانش، منابع انسانی و سلامت سازمانی** مربوط‌اند. در این مطالعات، مدیریت دانش به‌عنوان عاملی مؤثر بر خلاقیت، توانمندسازی و سلامت سازمانی در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای معرفی شده است.

در نهایت، دسته پنجم شامل پژوهش‌هایی درباره **کارآفرینی، آموزش مهارت‌های اساسی و آینده‌پژوهی** است. فروغی ابری و همکاران (۱۳۹۶) به طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای پرداختند و عزیزی و همکاران (۱۳۹۷) آموزش مهارت‌های اساسی در هنرستان‌ها را بررسی کردند. این مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت آموزشی در این حوزه باید فراتر از آموزش مهارت فنی صرف، به توسعه قابلیت‌های نرم و کارآفرینانه نیز توجه کند.

یافته‌ها

بر اساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش در چند محور اصلی قابل ارائه است:

۱. ضرورت گذار از مدیریت سنتی به مدیریت استراتژیک

بخش قابل توجهی از مطالعات مرورشده بر این نکته تأکید دارند که مدیریت آموزش فنی و حرفه‌ای باید از رویکردهای اداری و روزمره فاصله بگیرد و به سمت مدیریت استراتژیک حرکت کند. مدیریت استراتژیک با تکیه بر آینده‌نگری، تحلیل محیط، تعیین اهداف بلندمدت و تصمیم‌گیری شواهدبنیان، می‌تواند پاسخ‌گویی نظام آموزش مهارتی را افزایش دهد. در مطالعه ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، برازش مطلوب مدل و اثرگذاری ابعاد راهبردی بر عملکرد سازمان تأیید شده است (ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بی‌تا).

۲. ضعف در پیوند آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار

یکی از پرتکرارترین مضامین در منابع، فاصله میان برنامه‌های آموزشی و نیازهای واقعی بازار کار است. عبداللهی (۱۳۹۵) تصریح می‌کند که ارتباط میان آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار در ایران هنوز از سازوکارهای کارآمد و پایدار برخوردار نیست. این مسئله سبب می‌شود آموزش‌ها گاه به مهارت‌آموزی غیرکاربردی یا کم‌اثر در اشتغال منجر شوند. در همین راستا، صدری (۱۳۸۸) نیز بر اهمیت نیازسنجی دقیق و مشارکت بخش صنعت و خدمات در برنامه‌ریزی درسی تأکید می‌کند.

۳. انعطاف‌ناپذیری نسبی برنامه‌های درسی

مطالعات حاکی از آن است که برنامه‌ریزی درسی در آموزش فنی و حرفه‌ای باید متناسب با تحولات فناوری، اقتضائات محلی و الزامات اشتغال بازطراحی شود. صدری (۱۳۸۸) ساختار ترکیبی مدرسه‌محور و صنعت‌محور را پیشنهاد می‌کند و آن را کارآمدتر از ساختارهای صرفاً مدرسه‌ای می‌داند. همچنین بنی‌عامریان و همکاران

(۱۳۹۶) نشان می‌دهند که برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای در کشورهای موفق، گرایش بیشتری به انعطاف، کارآفرینی و نیازمحوری دارند.

۴. اهمیت رویکرد کارآفرینانه در مدیریت و برنامه‌ریزی درسی

مرور منابع نشان می‌دهد که آموزش فنی و حرفه‌ای دیگر نباید صرفاً برای آماده‌سازی افراد جهت استخدام طراحی شود، بلکه باید ظرفیت کارآفرینی، خوداشتغالی و خلق فرصت را نیز در فراگیران تقویت کند. طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، نشان داده است که ادغام مؤلفه‌های کارآفرینانه در برنامه درسی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای اثربخشی آموزش‌های مهارتی داشته باشد (فروغی ابری و همکاران، ۱۳۹۶).

۵. ضرورت توجه به مهارت‌های اساسی و شایستگی‌های نرم

آموزش فنی و حرفه‌ای مؤثر، تنها بر مهارت فنی مبتنی نیست، بلکه نیازمند پرورش مسئولیت‌پذیری، کار گروهی، انعطاف‌پذیری، ارتباط مؤثر و حل مسئله است. عزیزی، شیربگی و کریمی (۱۳۹۷) نشان دادند که در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، شکاف قابل توجهی میان وضع موجود و مطلوب در آموزش مهارت‌های اساسی وجود دارد. این یافته دلالت می‌کند که مدیریت آموزشی باید به توسعه شایستگی‌های نرم در کنار شایستگی‌های فنی توجه ویژه داشته باشد.

۶. نقش مدیریت دانش در ارتقای عملکرد سازمانی

در سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، دانش تجربی مربیان، مدیران و کارشناسان، سرمایه‌ای کلیدی است. مطالعات مربوط به مدیریت دانش نشان می‌دهد که استقرار این رویکرد می‌تواند خلاقیت کارکنان، یادگیری سازمانی و بهره‌وری را افزایش دهد. در پژوهش‌های مرتبط، بین مدیریت دانش و متغیرهایی مانند خلاقیت،

توانمندسازی روان‌شناختی و سلامت سازمانی رابطه مثبت گزارش شده است (رابطه بین مدیریت دانش با خلاقیت در میان کارکنان رسمی و پیمانی ستادی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۳).

۷. اهمیت نظام کیفیت و ارزیابی عملکرد

یکی از پیش‌نیازهای مدیریت اثربخش در آموزش فنی و حرفه‌ای، استقرار نظام‌های ارزیابی و تضمین کیفیت است. مطالعات موجود نشان می‌دهند که استانداردسازی فرایندها، استفاده از مدل‌های ارزیابی عملکرد و استقرار نظام مدیریت کیفیت می‌تواند به ارتقای اعتبارسنجی مراکز، بهبود پاسخ‌گویی و افزایش کارآمدی منجر شود. از این رو، مدیریت آموزشی در این حوزه باید بر شاخص‌محوری، سنجش‌پذیری و بهبود مستمر استوار باشد.

۸. چالش‌های منابع انسانی و مالی

بخشی از ادبیات موجود به مشکلات مرتبط با منابع انسانی، تخصیص اعتبارات، نگهداری تجهیزات و عارضه‌یابی فرایندهای مدیریتی پرداخته است. این مطالعات بیانگر آن‌اند که آموزش فنی و حرفه‌ای به دلیل وابستگی شدید به تجهیزات، فضاهای کارگاهی و نیروی انسانی متخصص، بیش از سایر حوزه‌های آموزشی نیازمند مدیریت بهینه منابع است. در نتیجه، هرگونه ضعف در نگهداری تجهیزات، تخصیص بودجه و توانمندسازی نیروی انسانی، مستقیماً کیفیت آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

مرور پژوهش‌های فارسی در حوزه مدیریت آموزشی آموزش فنی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که این بخش، با وجود ظرفیت بالا برای توسعه اقتصادی و تربیت نیروی انسانی ماهر، همچنان با مسائل ساختاری و مدیریتی مهمی روبه‌رو است. چالش‌هایی نظیر ضعف پیوند با بازار کار، محدودیت انعطاف در برنامه‌ریزی درسی، کم‌توجهی به مهارت‌های نرم، ضعف در مدیریت دانش، نارسایی در نظام کیفیت و ارزیابی عملکرد، و مشکلات منابع انسانی و مالی، از جمله موانع اساسی در مسیر اثربخشی این نظام به شمار می‌آیند.

در عین حال، ادبیات پژوهشی حاکی از آن است که رویکردهای نوینی چون مدیریت استراتژیک، برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی، آموزش کارآفرینانه، مدیریت کیفیت و مدیریت دانش، می‌توانند نقش مهمی در اصلاح و بهبود این وضعیت ایفا کنند. از منظر برنامه‌ریزی درسی، آموزش فنی و حرفه‌ای نیازمند بازطراحی بر اساس نیازهای واقعی اشتغال، تحولات فناوری، اقتضائات منطقه‌ای و مشارکت فعال صنعت است. از منظر مدیریت آموزشی نیز، گذار از مدیریت سنتی به مدیریت داده‌بنیان، مشارکتی و راهبردی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

بنابراین، مدیریت آموزش فنی و حرفه‌ای زمانی می‌تواند به اثربخشی مطلوب دست یابد که در تعامل مستمر با برنامه‌ریزی درسی، بازار کار، فناوری و نیازهای جامعه عمل کند و از رویکردهای تحولی و دانش‌محور بهره ببرد.

پیشنهادات کاربردی

۱. **بازطراحی برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای** بر اساس الگوی شایستگی‌محور، نیازسنجی بازار کار و تحولات فناوری انجام شود.

۲. **نظام مدیریت استراتژیک** در سازمان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای تقویت شود تا تصمیم‌گیری‌ها بر پایه آینده‌نگری و شواهد علمی صورت گیرد.

۳. **تعامل ساختاریافته با صنعت، خدمات و بخش خصوصی** در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های آموزشی افزایش یابد.

۴. **مهارت‌های نرم و اساسی** مانند کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، حل مسئله، ارتباط مؤثر و انعطاف‌پذیری در متن برنامه‌های درسی و فرایند یاددهی ـ یادگیری تقویت شود.

۵. **مدیریت دانش سازمانی** در مراکز و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای مستقر شود تا تجربه‌ها و دانش حرفه‌ای مربیان و مدیران حفظ و منتقل گردد.

۶. **نظام کیفیت و اعتبارسنجی مراکز** بر اساس شاخص‌های شفاف و قابل سنجش توسعه یابد.

۷. **الگوهای برنامه درسی کارآفرینانه** در هنرستان‌ها و مراکز مهارتی مورد توجه جدی قرار گیرد تا آموزش‌ها صرفاً استخدام‌محور نباشند.

۸. **توانمندسازی مدیران و مربیان** در زمینه مدیریت آموزشی نوین، فناوری‌های آموزشی و ارزشیابی عملکرد در دستور کار قرار گیرد.

۹. **پژوهش‌های مروری و میدانی بیشتری** برای بررسی وضعیت آموزش فنی و حرفه‌ای در استان‌ها و رشته‌های مختلف انجام شود.

۱۰. **یکپارچگی میان سیاست‌گذاری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت اجرایی** به‌عنوان اصل بنیادین در توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای مدنظر قرار گیرد.

منابع

۱. عبداللهی، حسین. (۱۳۹۵). ارزیابی سازوکارهای تجربه‌شده برقراری ارتباط بین آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار در ایران. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*.

۲. ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. (بی‌تا). *پایگاه Ensani*.

۳. اسماعیلی، علی، و صالحی، ابراهیم. (بی‌تا). عارضه‌یابی فرایند مدیریت منابع انسانی در سازمان فنی و حرفه‌ای (مورد: استان مازندران). *مگیران*.

۴. بنی‌عامریان، مریم، جوادی‌پور، محمد، حکیم‌زاده، رضوان، درانی، کمال، خدایی، ابراهیم، و مبارکی، محمدحسن. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی برنامه درسی فنی و حرفه‌ای (رسمی و آکادمیک) با تأکید بر قصد کارآفرینانه در بین کشورهای کانادا، آلمان و هندوستان با ایران. *مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۲(۴۵)، ۱۴۳-۱۷۴.

۵. تاثیر استقرار نظام مدیریت کیفیت ایزو ۹۰۰۱ بر ارتقاء رتبه اعتبارسنجی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان بوشهر. (بی‌تا). *پایگاه Ensani*.

۶. رابطه بین مدیریت دانش با خلاقیت در میان کارکنان رسمی و پیمانی ستادی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. (۱۳۹۳). *پایگاه Ensani*.

۷. صدری، عباس. (۱۳۸۸). طراحی الگوی برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عام برای دوره متوسطه. *مطالعات برنامه درسی*، ۴(۱۳ و ۱۴)، ۸۲-۱۰۴.

۸. شناسایی عوامل و شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. (بی‌تا). *مگیران*.

۹. شناسایی و صورت‌بندی چالش‌های حوزه آموزش‌های مهارتی کشور. (بی‌تا). *مگیران*.

۱۰. طراحی مدل ارزیابی عملکرد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور با تأکید بر رویکرد مالی. (بی‌تا). *پایگاه Ensani*.

۱۱. فروغی ابری، احمدعلی، و همکاران. (۱۳۹۶). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی کارآفرینی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*.

۱۲. فتاحی فرزانه. (۲۰۲۴). آینده‌پژوهی در مدیریت آموزشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای؛ ابعاد و الگوها. *SID*.

۱۳. مدیریت استراتژیک سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و تدوین مدل کیفی آن. (۱۳۹۸). *مهارت‌آموزی*.

۱۴. مدیریت نگهداری و تعمیرات تجهیزات کارگاهی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای با روش AHP. (بی‌تا). *پایگاه Ensani*.

۱۵. مدل‌سازی سلامت سازمانی: مورد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان فارس. (۱۳۹۶). *خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت*، ۸(۲۸)، ۴۵-۶۳.

۱۶. مولفه‌های پیاده‌سازی مدیریت دانش در آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی ایران. (بی‌تا). *مطالعات دانش‌پژوهی*.

۱۷. نعمت‌اله عزیزی، ناصر شیربگی، و سمیرا کریمی. (۱۳۹۷). مطالعه وضعیت آموزش مهارت‌های اساسی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شهر سنندج. *کارافن*، ۴۳، ۶۷-۸۴.

۱۸. چالش‌ها، راهکارها و الگوی اسلامی مدیریت تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی (مطالعه موردی: مراکز فنی و حرفه‌ای استان ایلام). (بی‌تا). *پایگاه Ensani*.

۱۹. بررسی تأثیر مدیریت دانش بر سلامت سازمانی و توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان ستادی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. (بی‌تا). *پایگاه Ensani*.

۲۰. آسیب‌شناسی مدیریت آموزش‌های مهارتی کشور. (بی‌تا). *SID*.